

مصاحبه

برای مقابله با کرونا دموکراسی موفق تر است یا اقتدارگرایی؟



■ گفت‌وگو با صادق صفارزاده

صادق صفارزاده دانشجوی مقطع دکتری اندیشه سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه و حوزه مطالعاتی وی تحولات فکری و سیاسی در دوران باستان و مدرن است.

نظام‌های فکری و سیاسی که به عنوان نماینده اندیشه‌های دموکرات یا اقتدارگرا شناخته می‌شوند، چه عکس‌العملی در قبال بحران کرونا داشته‌اند؟

صفارزاده: کرونا این روزها دوباره یک بحث باستانی و متناقض را به میان کشیده است؛ از طرفی صداهایی از اروپا به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه «ما به دموکراسی خیانت نخواهیم کرد». ممکن است این گزاره قهرمانانه و حماسی به نظر برسد؛ اما در خود اعترافی تکان‌دهنده را نهفته دارد: «ما حتی اگر به قیمت مرگ بسیاری از شهروندان هم تمام شود، مانند چین رفتار نخواهیم کرد». در این زمینه آگاهی پنهان و دردناک این است که دموکراسی دستاوردی بزرگ برای بشر است؛ اما احتمالاً در مواقع بلا یا فاجعه جمعی توان حفاظت از جان شهروندان را ندارد. کرونا به اروپایی‌هایی که این گزاره را به کار می‌برند، نشان داده که دموکراسی توان قرنطینه ندارد. شهروندان زیادی می‌میرند اما آن‌ها که زنده می‌مانند در آزادی و برابری خواهند زیست؛ یک زندگی «مطلوب» اما بی‌دفاع! از طرف دیگر صداهایی از چین به گوش می‌رسد که «ما کرونا را سرکوب کرده‌ایم!» این گزاره نیز تلویحاتی در خود نهفته دارد؛ اینکه «ما با سرکوب تمامیت‌خواهانه مردم موفق شده‌ایم جلوی یک فاجعه جمعی را بگیریم». اینجا تمامیت‌خواهی و استبداد کارآمدتر از دموکراسی به نظر می‌رسد و شهروندان بیشتری زنده خواهند ماند و به زندگی

ادامه خواهند داد؛ اما یک زندگی غیرآزاد، محدود و «نامطلوب». از زندگی دفاع می‌شود؛ اما به قیمت حذف قسمت بزرگی از آن!

رد پای دوگانه دموکراسی یا اقتدارگرایی در تاریخ اندیشه سیاسی را در کجا باید جستجو کرد؟

صفارزاده: این تناقض منحصر به عصر حاضر نیست و قدمتی کهن دارد. فیلسوفان باستانی ذیل بحث درباره بهترین نوع رژیم یا نظام سیاسی همواره با دو الگو مواجه بوده‌اند: الگوهای آتن و اسپارت که به نوعی دربردارنده همین تناقض است؛ اسپارت

آگاهی پنهان و دردناک این است که دموکراسی دستاوردی بزرگ برای بشر است؛ اما احتمالاً در مواقع بلا یا فاجعه جمعی توان حفاظت از جان شهروندان را ندارد. کرونا به اروپایی‌هایی که این گزاره را به کار می‌برند، نشان داده که دموکراسی توان قرنطینه ندارد. شهروندان زیادی می‌میرند اما آن‌ها که زنده می‌مانند در آزادی و برابری خواهند زیست؛ یک زندگی «مطلوب» اما بی‌دفاع!

دارای اقتدارگرایی نظامی سخت و آتن در مقابل، نماد دموکراسی بود؛ اما هر دو دولت شهر از اصول کلاسیک شهروندی یعنی خدمات عمومی و وظایف مدنی پیروی می‌کرد. اگر آتن برای مشارکت فعالانه و امور حکومتی و قضایی به تعهد شهروندانش نیاز داشت، برای اسپارت تعریف وظایف مدنی شامل اختصاص ایثارگرانه فرد در راه فعالیت‌های نظامی دولت شهر بود. می‌توان یکی از این دو را انتخاب کرد؛ اما شاید راه دیگری هم وجود داشته باشد.

ویرانی کرونا همواره می‌تواند چشم را به سوی یک امکان نهفته بازگرداند؛ امکانی که در جهان قبل از کرونا قابل رؤیت نبود. اینکه چگونه می‌توان از یک زندگی آزاد دفاع کرد؟ چگونه می‌توان استحکام و رفاه را کنار هم قرار داد؟ نرمتی که لازمه یک زندگی شهری دموکراتیک است، چگونه با خشونت و مقاومتی که لازمه گذار از بحران‌ها و فجایع است ترکیب می‌شود؟ چه قانونی لازم است تا «مستبدانه» از یک «زندگی آزاد» دفاع کند؟ آیا هنوز به مفهوم «قانون» نیاز است یا می‌توان به مفاهیم تازه‌ای اندیشید؟

اکنون اندیشمندان برجسته جهانی از بحران کرونا چه روایتی ارائه می‌دهند؟

صفارزاده: ابتدا باید اشاره کنم که حکومت‌های اقتدارگرا می‌توانند در بسیج منابع و واکنش‌های جاه‌طلبانه خوب عمل کنند (گواه آن توانایی دولت